

# نگره قرآن کریم به «خویشنداری» در رفتارهای خانوادگی

مرضیه محصص\*

استادیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۹)

## چکیده

قرآن کریم با رویکردی هنجارگرا به تربیت انسان‌ها پرداخته است و بر ضرورت اصلاح و تجدید نظر در رفتارها تأکید ورزیده است. در این راستا، برخی سازه‌ها از جایگاه بنیادینی برخوردارند. از آنجا که امروزه موضوعات با محوریت خانواده به عنوان نهادی اثربخش در ارتقاء و بالندگی جامعه، کانون توجه قرار گرفته است، واکاوی نظریه کارآمد قرآن در این حوزه ضروری به نظر می‌رسد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که مطابق آموزه‌های قرآنی، افراد در کدام یک از رفتارهای خانوادگی به خویشنداری فراخوانده شده‌اند؟ در این طرح، با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، به روش توصیفی و تحلیل محتوا، آیات مربوط به خانواده با محوریت موضوع «خویشنداری» رصد شده است. این نوشتار ضمن ارائه مفهوم خویشنداری در روانشناسی و مفاهیم قرآنی، به تبیین جایگاه خویشنداری در قالب رفتارهای خانوادگی می‌پردازد و در نهایت، به ثمرات اتخاذ رویه خویشندارانه در مناسبات خانوادگی اشاره می‌نماید. از رهگذر بررسی گزاره‌های قرآنی چنین به نظر می‌آید که «خویشنداری» در طیف رفتارهای دینی، حقوقی و حریم خصوصی از جایگاه بنیادینی برخوردار می‌باشد. لذا می‌توان اذعان داشت که به موجب اتخاذ رویه خویشندارانه، حسن معاشرت و تحکیم خانواده محقق خواهد شد.

واژگان کلیدی: نگرش قرآنی، خویشنداری، خانواده، تقوا، صبر، عفاف.

---

\* E-mail: m\_mohases@sbu.ac.ir

## مقدمه

رفتار، آینه‌ای است که نگرش‌ها، اندیشه‌ها و امور درونی انسان را منعکس می‌سازد و به عبارتی، بازتاب امواج روانی انسان‌ها در راه و رسم رفتاری آنان جریان پیدا می‌کند. در نظام تربیتی قرآنی، «رفتار» معیار تعالی ارزشی محسوب می‌شود: ﴿وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا﴾ (الأَنعام/۱۳۲). تنظیم رفتار یکی از مسائل مهمی است که در آموزه‌های دینی و دانش روانشناسی مورد توجه قرار گرفته است. خویشنداری عبارت است از هر عملی که شخص برای تغییر رفتار و تغییر پیامدهای آینده اعمال خویش انجام می‌دهد. این مفهوم، انتخاب پاداش بزرگ متأخر در برابر پاداش کوچک آنی را در بر دارد. توانایی پیروی از درخواست معقول، تعدیل رفتار مطابق با موقعیت، به تأخیر انداختن ارضای خواسته‌ها بدون مداخله و هدایت مستقیم فردی دیگر در خانواده، سبب تسهیل رشد اخلاق و وجدان اخلاقی می‌شود.

امروزه لزوم تبیین هرچه دقیق‌تر مبانی قرآنی در حوزه خانواده، بیش از پیش احساس می‌شود؛ زیرا دستیابی بدین مهم، شبکه مفهومی ویژه‌ای را ترسیم می‌نماید و نویدبخش ابواب جدیدی در قرآن پژوهی به شمار می‌آید. یکی از اندیشمندان در این باب می‌نویسد: «زندگی خانوادگی به خودی خود هدف نیست، بلکه وسیله است. هدف در این زندگی، جذب و انجذاب و از یگانگی به یگانگی رسیدن است» (بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۷۲). برای اینکه زندگی خانوادگی با تلخی و نفرت نباشد، مبدل به یک مرگ تدریجی نشود و خود پایه و اساس یک زندگی شوم و نفرت‌بار در سرای جاودان نشود، توصیه می‌کنیم مردان و زنان اخلاق خانوادگی را از مکتب انسان‌ساز اسلام فراگیرند و زمینه‌ساز سعادت ممتد و جذب، انجذاب و یگانگی واقعی شوند (ر.ک؛ همان: ۱۸۸). اهتمام قرآن کریم به موضوع خانواده، مستلزم تکاپوی مسلمانان برای شناخت افزون‌تر این حوزه می‌باشد. در غالب آیاتی که در آنها به موضوعات مرتبط با خانواده نگریسته شده است، مفاهیم مرتبط با «خویشنداری» مورد عنایت ویژه قرار گرفته است. اهمیت این اندیشه تا حدی است که

در آیات فقهی و حقوقی خانواده، آموزه‌های مبنی بر «خویشنداری»، خصومت‌ها را تعدیل شده، زوجین به ایفای حداکثری حقوق ترغیب می‌شوند.

پرسش اصلی این پژوهش آن است که مطابق آموزه‌های قرآنی، افراد در کدام یک از رفتارهای خانوادگی به خویشنداری فراخوانده شده‌اند؟ در پاسخ به پرسش فوق، این نوشتار ضمن ارائه مفهوم خویشنداری در روانشناسی و مفاهیم قرآنی، به تبیین جایگاه خویشنداری در قالب رفتارهای خانوادگی می‌پردازد و در نهایت، به ثمرات اتخاذ رویه خویشندارانه در مناسبات خانوادگی اشاره می‌نماید.

### ۱- مفهوم‌شناسی «خویشنداری»

خویشنداری را می‌توان عاملی دانست که موجب دگرگونی در هویت انسانی و الگوهای رفتاری می‌گردد. به رغم توجه روانشناسان معاصر بدین موضوع، قرآن کریم از آغاز نزول توجه ویژه‌ای نسبت بدان معطوف داشته است و ضرورت توجه مسلمانان را متذکر شده است.

#### ۱-۱ «خویشنداری» از منظر روانشناسی

در نظریات اخیر، «خویشنداری» به عنوان یکی از مؤلفه‌های حائز اهمیت در نظریه هوش هیجانی به شمار می‌آید. هوش هیجانی، توانایی نهفته‌ای شامل خویشنداری، شوق، پایداری و توانایی برانگیختن خود است. این نظریه بر این باور است که توانایی کنترل تکانه‌ها و وسوسه‌ها، مبنای اراده و شخصیت و عامل کنترل تکانه‌ها، برخوردار از حس خویشنداری است (ر.ک؛ گلمن، ۱۳۸۰: ۱۹). امروزه نویسندگان غیرمسلمان نیز بر لزوم کنترل درونی اذعان دارند و معتقدند ظهور بسیاری از مشکلات بدین سبب است که افراد به دنبال کنترل‌کننده‌هایی از بیرون هستند. این در حالی است که عموماً این انتظار، پاسخ مثبتی به همراه ندارد و از آنجا که جامعه متشکل از مجموعه افراد است، پس مجموعه‌ای از کنترل‌های درونی، کیفیت یک جامعه را می‌سازد (ر.ک؛ ال‌کلینکه، ۱۳۸۳، ج ۱:

(۱۰۱). خویشتنداری مستلزم مدیریت و مهار احساسات است و افراد خویشتندار از ثبات هیجانی بیشتری برخوردارند و این ویژگی کارایی آنها را افزایش می‌دهد (ر.ک؛ نوری، ۱۳۸۷: ۱۵۰). این مفهوم در ادبیات روانشناسی در قالب اصطلاحات ذیل مورد توجه قرار گرفته است.

### ۱-۱-۱ خودنظم‌دهی

خودنظم‌دهی به تمرین کنترل بر خود به منظور بازگشت به مسیر استانداردهای ترجیحی گفته می‌شود (Vohs & Baumeister, 2004, Vol 1: 1-9) و از ۳ جزء تشکیل شده است: «استانداردهای فکری، احساسی و رفتاری، انگیزش کاهش تناقض بین استانداردها و موقعیت، قدرت کافی برای تغییر (Hofmann & et al, 2010: 174-180). در تعریفی دیگر، خودنظم‌دهی به هدایت یا تنظیم رفتارهای خویش به منظور رسیدن به برخی اهداف یا حالات غایی مطلوب اطلاق شده است (ر.ک؛ ام. سی. کولوگ، ۲۰۰۹م: ۶۹-۹۳).

### ۱-۱-۲ خودمهارگری

خودمهارگری به عنوان نیروی درونی برای بازداري و نپذیرفتن است و نتیجه فرایندها و باورهای اخلاقی، سطح مذهبی بودن والدین، مشارکت فرد در فعالیت‌های مذهبی می‌باشد (Wikstromm & Treiber, 2007: 237- 264). پژوهشگران اصطلاح خودمهارگری را در موقعیت‌هایی به کار می‌برند که افراد در آن به رفتارهایی مشغول می‌شوند که بر کشش‌های بسیار نیرومند فائق آیند و تمایلات خویش را به گونه‌ای تغییر می‌دهند که مستلزم متوقف نمودن هدفی برای رسیدن به هدفی با سودمندی طولانی‌مدت تر می‌باشد (به نقل از؛ رفیعی هنر، ۱۳۹۲: ۱۶۷). روانشناسان معتقدند که سازمان‌های مذهبی، همچون منبعی بیرونی می‌توانند در خودمهارگری‌ها بسیار مفید باشند. از این منظر، باورهای مذهبی سبب به تعویق انداختن لذت‌جویی، کاهش رفتارهای مجرمانه و کسب میزان بالایی از خودمهارگری می‌گردد (Kivetz & Yuhang, 2006: )

573-587). در روانشناسی نوین غالب مشکلات فردی و خانوادگی نوعی شکست در خودمهارگری محسوب می‌شود (Baumeister & et al, 2007: 516-539). از این منظر، خودمهارگری بالا، ارتباط بهتر خانوادگی و مدیریت بهتر خشم را نتیجه خواهد داد (ر.ک؛ تانجی، ۲۰۰۷م.:: ۳۲۷-۲۷۱). به نظر برخی، خودمهارگری با هدف تنظیم افکار، رفتار، هیجانات و تکانه‌ها از سوی افراد، در اسلام اهمیت دارد و اصلی‌ترین عامل خودمهارگری، عقل نام دارد که دو جنبه شناختی به نام علم و جنبه بازداری و رفتاری به نام تقوا دارد (ر.ک؛ صالحی، ۱۳۹۱: ۸۶).

با توجه به تعریف‌های روانشناسان، خویشندار به کسی گفته می‌شود که قادر به رهبری هیجان‌ها و امیال گذرا و به تأخیر انداختن بروز هیجان‌ها باشد. لذا برخورداری از اراده قوی، تسلط بر تمایلات درونی در مواجهه با دشواری‌ها، از مؤلفه‌های مفهوم خویشنداری محسوب می‌شود.

## ۲-۱) «خویشنداری» از منظر قرآن کریم

قرآن کریم با هدف صیانت از خانواده، پابندی به «خویشنداری» را به مثابه یکی از بنیان‌های رفتاری پیشنهاد نموده است. در آیات مرتبط با خانواده، تکرار برخی واژگان، نشانگر اهمیت این مفهوم بنیادین است. در فرهنگ واژگان قرآنی، واژگان «تقوا» و «صبر» ارتباط معنایی و ثقی با مفهوم خویشنداری دارند.

### ۱-۲-۱) تقوا

تقوا از ریشه «وقی» و در لغت به معنای بازدارندگی، نگهداری و صیانت از آسیب‌هاست (ر.ک؛ ابن فارس، بی تا، ج ۶: ۱۳۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۰ق.، ج ۱۵: ۴۰۱؛ طریحی، ۱۴۸۵ق.، ج ۴: ۵۴۱ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق.:: ۸۸۱). بررسی سیر تطور دلالتی واژه تقوا، گویای آن است که حفظ و صیانت از هر امر زیانبار، دفع چیزی به یاری دیگران، از مهم‌ترین معانی آن محسوب می‌شود. این لغت پس از ورود به ساحت واژگان قرآنی، جنبه روحانی یافت

و در معنای خوف از خدا و صیانت نَفْس از گناهان به کار رفت. پیشینیان وجوه معنای قرآنی متعددی برای این واژه برشمرده‌اند؛ از جمله هراس داشتن (ر.ک؛ الحج/۱)، پرستیدن (ر.ک؛ النحل/۲)، سرپیچی نکردن (ر.ک؛ الأعراف/۹۶)، موحد شدن (ر.ک؛ الحجرات/۳)، عبادت (ر.ک؛ آل عمران/۱۰۲) و اخلاص (ر.ک؛ الحج/۳۲ و ۳۷) (ر.ک؛ تفلیسی، ۱۳۴۰: ۵۶ و دامغانی، ۱۳۶۱: ۳۲۲). تقوا از مباحث مهم دینی و نیز از مهم‌ترین فضیلت‌های اخلاقی است که تأثیر شگرفی بر رفتار فردی و اجتماعی انسان دارد. مطابق آیات، این خصیصه، ملاک و میزانی است که حقیقت انسان بر آن مبنا سنجیده می‌شود (ر.ک؛ الحجرات/۱۳). در قرآن کریم، تعبیر تفکربرانگیزی از واژه تقوا ذکر شده است؛ مثلاً: بهترین توشه (ر.ک؛ البقره/۱۹۷)، قرین عدالت (ر.ک؛ المائده/۸)، زیننده‌ترین پوشش (ر.ک؛ الأعراف/۲۶)، انسان پرور و ادب‌آفرین (ر.ک؛ الحجرات/۳)، روشنی‌بخش و علم‌آفرین (ر.ک؛ البقره/۲۲۸)، موجب تعمیق قوای شناختی (ر.ک؛ الأنفال/۲۹)، مسبب آمرزش گناهان و پاداش شکوهمند (ر.ک؛ الطلاق/۲). می‌توان اذعان داشت که در نگاه قرآنی، اساساً زندگی برخوردار از بنیان خویشنداری در برابر اوامر الهی، قابل قیاس با زندگی عاری از این بنیان نمی‌باشد (ر.ک؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ۱۱۸). خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ سَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾: آیا کسی که شالوده آن را بر تقوای الهی و خشنودی او بنا کرده بهتر است، یا کسی که اساس آن را بر کنار پرتگاه سُستی بنا نموده که ناگهان در آتش دوزخ فرومی‌ریزد؟ و خداوند گروه ستمگران را هدایت نمی‌کند! ﴿(التوبة/۱۰۹).

از نظر علامه طباطبائی، مدیریت نَفْس و ساماندهی انگیزه‌ها، تمایلات و رفتارها تنها در سایه تقوا امکان‌پذیر است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۸). از منظری دیگر، تقوا به نگهداشتن انسان از آنچه به او زیان می‌رساند یا خویشنداری در برابر گناه و محرّمات اطلاق شده است. خودنگهداری از هوس‌ها، پرهیز از آفات تکامل و خویشنداری در برابر گناهان و شهوات است که به صورت ملکه و عادات برای انسان درآمده باشد

(ر.ک؛ ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۲۸). شهید مطهری «خودنگهداری» را ترجمۀ صحیح واژه تقوا برشمرده است (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۸: ۱۷). اجتناب، ترس و تحاشی از گناه نیز معادل تقوا دانسته شده است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۱۱۰). یکی از معاصران معتقد است که تقوا حاصل معادله «یادآوری، بینش، و بازداری» می‌باشد و در ادبیات پیشوایان با تعبیرهایی همچون امساک، قصر، اجتناب، ترک، حصن، وقایه و حاجز آمده است (ر.ک؛ پسندیده، ۱۳۸۹: ۸۴-۸۶). محققان تقوا را همان کوشش‌های عقلانی فرد برای تنظیم رفتار و پیشگیری از آسیب‌ها می‌دانند و آن را از جمله ضروریات یک زندگی شرافتمندانه به شمار می‌آورند (ر.ک؛ قائمی، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

### ۱-۲-۲) صبر

واژه‌شناسان «صبر» را به معنای بازداشتن نفس، امساک کردن، انتظار کشیدن و اکراه داشتن می‌دانند (ر.ک؛ ابن فارس، بی‌تا، ج ۴: ۴۳۸؛ طریحی، ۱۴۸۵ق، ج ۲: ۱۰۳ و ابن منظور، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۴۳۸). صبر، بازداشتن خویش از انجام اموری است که عقل و شرع خویشنداری از آن را اقتضاء می‌کند (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۴). در تعبیری دیگر، صبر به پایداری نفس و نداشتن تشویش در سختی‌ها (ر.ک؛ نراقی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۲۸)، همراه با گشادگی خاطر اطلاق شده است، به گونه‌ای که زبان از شکایت و اعضای بدن از حرکات ناهنجار حفظ شود (ر.ک؛ همان، ج ۴: ۳۵۵). از نظر محققان، شکیبایی از غالب رفتارهای واکنشی و برانگیختگی‌های عاطفی در شرایط ناکامی که به آسیب‌رسانی جسمی و روحی به دیگران منتهی می‌گردد، پیشگیری می‌نماید (ر.ک؛ برکووتیز، ۱۳۸۷: ۴۲۳). از لحاظ اخلاقی، این پایداری در صورتی فضیلت محسوب می‌شود که هدف شخص صابر، کسب کمال اخلاقی و تقرّب به خداوند متعال باشد.

همنشینی واژگان صبر و تقوا در آیات متعدّد، نشانگر ارتباط وثیق این دو خصیصه در رفتارهای نیکوی انسانی است (برای نمونه؛ ر.ک؛ آل‌عمران / ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۸۶ و ۲۰۰؛ البقره / ۱۷۷؛ هود / ۴۹ و...). برخورد عاقلانه انسان شکیبیا در رخداد‌های خانوادگی، زمینه پرهیز از پرخاشگری و اتخاذ تصمیم‌های کارآمد را فراهم می‌سازد. خداوند متعال

می‌فرماید: ﴿... وَإِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (آل عمران / ۱۸۶). «اگر بر امور صبر کنید و جزع و بی‌تابی ننمایید و به اطاعت حق تمسک جویند، بدون تردید به رشد و شایستگی دست خواهید یافت» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۰۳). به عقیده مفسران، تقارن (صبر و تقوی) در این آیه، اشاره به آن است که بعضی افراد در عین استقامت و شکیبایی، زبان به ناشکری و شکایت باز می‌کنند، ولی مؤمنان واقعی، صبر و استقامت را همواره با تقوی می‌آمیزند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۰۵).

## ۲- تجلی «خویشنداری» در رفتارهای خانوادگی

نگاه ژرف اسلام به زندگی خانوادگی سبب شده تا زیباترین رفتار را در تعاملات میان اعضاء توصیه نماید (ر.ک؛ قرشی، ۱۹۸۸م: ۲۴-۲۶). در این نظام، خویشنداری در جهت رشد و هماهنگی با خواسته‌های متعالی، و در تعارض با تمایلات بازدارنده و پست بشری، بستر ساز داوری و گزینش گرایش‌های معارض در خانواده است. برخی محققان در چارچوب تعالیم اسلامی، خویشنداری را به عنوان روشی رفتاری در مقابله با تنش معرفی کرده‌اند (ر.ک؛ دیماتنو، ۱۳۷۸: ۷۳۰).

ارتقای نیروی خودمهارگری و تحوّل رفتارهای درون‌خانوادگی، مطابق با نگاه قرآنی، رفتارهایی سالم، ایمن و رشدیافته را به دنبال خواهد داشت. جایگاه بنیادین خویشنداری در رفتارهای مختلف خانوادگی، از جمله رفتارهای دینی، رفتارهای حقوقی و رفتارهای حریم خصوصی تجلی پیدا می‌کند.

## ۲-۱ رفتارهای دینی

از بررسی آیات، روایات و آثار اندیشمندان چنین برمی‌آید که اساس مهار نفس با انگیزه‌های الهی در مفهوم تقوا تجلی می‌یابد و تقویت دینداری انسان‌ها به ارتقای نیروی خودمهارگری آنها می‌انجامد و به موجب آن، رفتارهای فضیلتی برخاسته از اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی پرورش خواهد یافت.



در نگاه اسلامی، تقوا مانعی درونی و قوایی کارآمد است که با برخورداری از دو جنبه سلبی و ایجابی، انسان‌ها را از ارتکاب امور ناپسند باز می‌دارد و به انجام امور پسندیده مایل می‌نماید و بدین سان، بنیانی محکم برای اعمال و رفتار انسان می‌سازد؛ چنان‌که حضرت امیر(ع) تقوا را سرآمد اخلاق (ر.ک؛ نهج البلاغه / ح ۴۱۰)، کلید هر در بسته، نجات از هر گونه هلاکت و موجب رستگاری و دستیابی به آرزوها می‌داند (ر.ک؛ همان / خ ۲۳۰). از نظر ایشان، پرهیزگاری مانند مهاری به دست سوارکار است تا خود را به ایمنی، آسایش و خوشبختی برساند: «أَلَا وَإِنَّ التَّقْوَىٰ مَطَايَا دُلِّلَ حَمَلٌ عَلَيْهَا أَهْلُهَا وَأَعْطُوا أَرْزَمَتَهَا فَأُورِدْتَهُمُ الْجَنَّةَ وَفَتَحَتْ لَهُمُ أَبْوَابَهَا وَوَجَدُوا رِيحَهَا وَطِيْبَهَا وَقِيلَ لَهُمْ ادْخُلُوا بِسَلَامٍ آمَنِينَ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۶۷). مفسران تقوا را به منزله وجدان آگاه فرد تلقی می‌کنند که وی را بر تمایلات و شهوات مسلط می‌سازد و از تجاوز به مرزهای دینی منع می‌کند (ر.ک؛ طالقانی، ۱۳۶۲: ۵۴).

در آیات قرآنی، یکی از ویژگی‌های مؤمنان راستین، توجه خاص به تربیت اعضای خانواده خویش در مسیر انجام رفتارهای دینی است. غرض از رفتارهای دینی، مجموعه عملکردهایی است که به نحوی اجرای وظایف عبودی افراد خانواده و در تضاد با خواهش‌های نفسانی به شمار می‌آید. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ... \* وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (الفرقان/ ۶۳-۷۴). دعای آنان این است که اعضای خانواده خود آن، موفق به اطاعت از خداوند و اجتناب از گناهان شوند و در نتیجه، از اعمال صالح آنان مسرور شوند. از این دعا چنین برداشت می‌شود که بندگان برگزیده خدا از پیروی هوای نفس پرهیز می‌کنند و در مسیر خویشنداری از یکدیگر سبقت می‌گیرند تا اسوه پرهیزگاران شوند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۱۵: ۲۴۴ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۱۶۹).

خداوند متعال در آیه ۱۳۲ سوره طه بر لزوم تقویت روح بندگی و شکیبایی در انجام عبادات تأکید می‌نماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسَأُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرُزِّقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ﴾: خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبایی باش! از

تو روزی نمی‌خواهیم، (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای تقواست! ﴿۱۳﴾. سپس اضافه می‌فرماید که اگر دستور نماز به تو و خاندانت داده شده، منافع و برکات آن تنها متوجه خود شماست و ما از تو روزی نمی‌خواهیم، بلکه به تو روزی می‌دهیم. این نوع مواظبت‌ها، چیزی بر عظمت پروردگار نمی‌افزاید، بلکه سرمایه بزرگی برای تکامل انسان‌ها و کلاس عالی تربیت است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۳۴۲).

از آنجا که مجموعه دریافت‌های عقلی و عاطفی انسان‌ها در رفتارها انعکاس می‌یابد، در نظام تربیتی خانواده، جهت‌دهی به سوی کمال دینی، در قالب رفتارهای خویش‌تندارانه مطالبه شده است.

## ۲-۲) رفتارهای حقوقی

نقش‌ها در خانواده، پدیدآورنده رفتارهای حقوقی و اجرای احکام حقوقی زمینه‌ساز نظم‌بخشی به امور می‌باشند. هرچند آموزه‌های دینی، برقراری روابط مبتنی بر اخلاق را میان اعضای خانواده توصیه نموده‌اند، اما گاه به سبب موقعیتی که حقوق خانواده برای طرفین به رسمیت شناخته، طرفین ضرری متوجه یکدیگر می‌نمایند و از حق خویش به‌ناشایستگی بهره می‌گیرند. در این راستا، قرآن کریم از بین تمام پیمان‌های بشری، ازدواج را با وصف «میشاق غلیظ» ستوده است (ر.ک؛ النساء / ۲۱) و در قالب نوعی قداست‌بخشی از عقود دیگر متمایز دانسته است؛ زیرا ارتباطات خانوادگی، تداعی‌گر نوعی همبستگی روحی و جسمی در تمام ایام زندگی مشترک می‌باشد. در آیات قرآنی، باورهای اعتقادی، به صورت حکیمانه‌ای، ضامن اجرای مسئولیت‌ها و حقوق خانوادگی برشمرده شده‌اند (البقره / ۲۳۰-۲۴۰). این امر وضوح‌بخشی به مرزها، ایجاد تعادل در خانواده و رشد در تمام عرصه‌ها را به دنبال خواهد داشت.

قرآن مجید در مواردی که حقوقی غیرمالی را برای اعضای خانواده و متقابلاً تکلیفی را برای آنان اعلام می‌دارد، بلافاصله به فداکاری، ایثار، کرامت و بزرگواری تذکر می‌دهد، حتی اغلب واژه‌های به کار رفته درباره نهاد‌های حقوقی در روابط اعضای

خانواده به گونه ای انتخاب شده که بار اخلاقی و عاطفی دارد (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۴۶). با توجه به اینکه دعوت به تقوی و پرهیزکاری ریشه اصلی برنامه‌های صیانت‌بخش اسلامی می باشد، سوره نساء که در بر دارنده موضوعات خانوادگی همچون ادای حقوق یکدیگر، تقسیم عادلانه ارث و رعایت حقوق خانوادگی و... است و بدون پشتوانه پرهیزکاری از ضمانت اجرایی آسانی برخوردار نیست، با دعوت به تقوی آغاز می شود (ر.ک؛ همان، ج ۳: ۲۴۵).

در آیات ابتدایی سوره مبارکه طلاق نیز مفهوم لزوم اتخاذ رویه خویشندارانه در خانواده به صورت مؤکدی تصریح شده است. خداوند متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا﴾ (الطلاق/۱).

در این آیات، تأکید می شود که مردان به سبب عهده داری حق نفقه، حق مسکن و حق رجوع، ملزم به دقت در شمارش ایام عدّه هستند. سپس می فرماید: «از خدایی که پروردگار شماست، پروا داشته باشید». از منظر مفسران، این حکم اسلامی فلسفه بسیار مهمی دارد؛ زیرا علاوه بر حفظ احترام زن، غالباً زمینه را برای بازگشت شوهر از طلاق، و تحکیم پیوند زناشویی، فراهم می سازد. بی توجهی به این حکم مهم اسلامی سبب می شود که بسیاری از طلاق‌ها به جدایی دائم منتهی شود، در حالی که اگر این حکم اجرا می شد، غالباً به آشتی و بازگشت مجدد منتهی می گشت (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۲۲۴-۲۴۷).

نکته شایان توجه اینکه از یک سو، قرآن مجید در مواردی که حقوقی را برای اعضای خانواده و متقابلاً تکلیفی را برای دیگر اعضا اعلام می دارد، بلافاصله ظرفیتی اخلاقی و عاطفی ایجاد می نماید (ر.ک؛ محقق داماد، ۱۳۷۵: ۴۶). از سوی دیگر، همان گونه که در واگذاری هر مسئولیتی، بر صلاحیت فکری و اخلاقی فرد مسئول تأکید دارد، در مسئله

سپردن ریاست خانواده هم به مرد تأکیدها و تمهیدها و یا حتی تهدیدهایی دارد. لذا وی را به معاشرت احسن و بر حذر بودن از هر گونه اضرار و تعدی (ر.ک؛ الطلاق/ ۶ و النساء/ ۱۹) فرامی‌خواند. لذا مرد حق حاکمیت دارد، ولی حق تحکم ندارد و باید رعایت اصل عفو ﴿وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ و اصل فضل ﴿وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ﴾ را در روابط خانوادگی پیوسته مورد توجه قرار دهد که این همان تأکید بر اخلاق و تلطیف در حقوق است (ر.ک؛ میرخانی، ۱۳۷۹: ۷۷-۷۹) و نتیجه التزام به مفهوم خویش‌تنداری در رفتارهای خانوادگی می‌باشد.

با توجه به آنکه غایت‌نگری در افراد، ایجاد انگیزه می‌نماید، فرد خویش‌تندار با هدف جلب رضایت الهی، مواجه‌ای کریمانه با خطاهای دیگران دارد (ر.ک؛ الشوری/ ۴۳؛ الفصّل/ ۳۴-۳۵ و النحل/ ۴۲) و در موقعیت‌های تنش‌زا، خشم خود را کنترل می‌کند (ر.ک؛ آل‌عمران/ ۱۳۴). خداوند متعال در یکی از آیات با محوریت تعاملات خانوادگی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندان شما دشمنان شما هستند، از آنها برحذر باشید و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید (خداوند شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است! ﴿التغابن/ ۱۴﴾. قرآن کریم در ترسیم سیمای پارسایان، بخشش و تسلط بر خشم درونی را از جمله خصوصیات برجسته آنان می‌شمرد و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ﴾ همان کسانی که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند ﴿آل‌عمران/ ۱۳۴؛ التّحریم/ ۶ و طه/ ۱۳۲﴾. لیکن نباید شدت عمل نشان دهند، بلکه شایسته است از شیوه بخشش و عفو استفاده شود.

بدین ترتیب، می‌توان اذعان داشت که بخشش، فرایند خویش‌تنداری در برابر خطای دیگران می‌باشد که با انگیزه آرامش درونی خویش، بهبود روابط با خطاکار و یا به منظور انجام رفتاری ارزشی صورت می‌گیرد و رهایی از احساس منفی، غلبه بر رنجش حاصل از بدی و پرهیز از عصبانیت و رفتار تلافی‌جویانه را در پی دارد. این امر از جانب فردی

انجام می‌شود که علی‌رغم برخورداری از قدرت مقابله، به دلایلی مصلحت‌آمیز، خویشنداری کرده است.

## ۳-۲) رفتارهای حریم خصوصی

رفتارهای خانوادگی در حریم خصوصی در بر دارنده گستره‌ای از ویژگی‌های رفتاری و عملی است که افراد به افشای آن رضایت ندارند و نسبت به ورود و نظارت دیگران واکنش نشان می‌دهند و انتظار دارند که فارغ از مداخله دیگر اعضای خانواده باشند. گستره این رفتارها، بازتابی از مؤلف‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی می‌باشد.

حریم خصوصی خانوادگی در قالب رفتارهای مرتبط با حریم جسمانی (منع از نگاه و واکاوی نسبت به برخی اعضای بدن از سوی دیگران)، حریم اطلاعاتی (منع از اطلاع یافتن نسبت به برخی اطلاعات موجود در رایانه شخصی، موبایل و...)، حریم جنسی (منع از ورود و نظاره فضای جنسی زناشویی) و حریم شخصیتی (منع از بازگویی ویژگی‌های شخصیتی و اسرار) تعریف می‌شود (ر.ک؛ نقیبه، ۱۳۸۹: ۷).

در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا﴾ (الحجرات/ ۱۲)، مؤمنان از تجسس در امور دیگران، بدگمانی، بدگویی نهی شده‌اند. از آنجا که قرابت افراد در مناسبات خانوادگی سبب اطلاع یافتن حد اکثری نسبت به امور خصوصی یکدیگر می‌شود، این حکم عام تکلیفی، به صورت خاص در قالب رفتارهای خانوادگی مصداق می‌یابد. بدون تردید، پابندی به این توصیه قرآنی منوط به خویشنداری می‌باشد. در همین راستا، آیات ۲۷ تا ۳۴ سوره نور نکات متعددی در ارتباط با حریم خصوصی ذکر می‌نماید؛ از جمله، اجازه گرفتن قبل از ورود به اماکن، غضب بصر مردان، رفتار عقیفانه و پنهان کردن زینت‌ها از سوی زنان و لزوم عفت و وزیدن قبل از فراهم شدن شرایط ازدواج. در خاتمه این آیات، به صورت یک جمع‌بندی، موضوعات پیشین به موعظه‌ای برای پرهیزگاران ﴿وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾ توصیف شده است. در آیه ۵۸ سوره نور نیز دستور اختصاصی نسبت به منع

ورود کودکان نابالغ در ۳ وقت از شبانه‌روز به نحو وجوبی دستور داده شده است. غایت اصلی در این نوع از خویشتنداری خانوادگی، صیانت از محیط تربیتی و دور نگهداشتن کودکان از فضای زمینه‌ساز بلوغ زودرس می‌باشد. نکته اینکه خویشتنداری در طیف رفتارهای مطرح در حوزه حریم خصوصی، همچون یک مسئولیت اخلاقی متوجه تمام اعضای خانواده است و منجر به تحصیل کمالات روحی و معنوی می‌شود. در نگرش قرآنی، بهره‌مندی از مهارت‌های خویشتنداری و خودمهارگری جنسی در قالب کنترل زمینه‌های تحریک جنسی بسیار مورد توجه است (ر.ک؛ الإسراء/ ۳۲). همچنین، جایگزین کردن لذت‌های معنوی (ر.ک؛ العنکبوت/ ۴۵) بر توانمندی بازدارنده فرد خواهد افزود.

خویشتنداری در حوزه رفتار جنسی، در یکی از پژوهش‌های معاصر با عنوان «مصون‌سازی» و موجب بروز رفتار جنسی ایمن، بهنجار، سالم، رضایتمند و متعالی برشمرده شده است و اذعان گردیده که دلیل مهم انحراف‌های جنسی، برخوردار نبودن از مهارت‌های خودمهارگری و ضعف در عفت و وزیدن است و بی‌رغبتی و تنش در خانواده را توسعه می‌دهد (ر.ک؛ نورعلیزاده میانجی، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

خویشتنداری به مثابه یک بنیان رفتاری در قالب توصیه‌های اسلامی به عفاف متجلی شده است. مفهوم عفاف در قالب واژگان «عفت» و «حیا»، بر نوعی خویشتنداری از امور پست و تمایلات نفسانی دلالت دارد. اغلب لغت‌شناسان، ماهیت این کلمات را نوعی بازدارندگی دانسته‌اند و متعلق آن را شهوات، اعمال قبیح، محرّمات الهی برشمرده‌اند (ابن فارس، بی‌تا، ج ۲: ۹۳؛ طریحی، ۱۴۸۵، ج ۳: ۲۰۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۰، ج ۹: ۲۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۷۳). عفاف در شمار برترین فضایل اخلاقی است و بر طبق آیات قرآنی (ر.ک؛ الأعراف/ ۲۲)، فطری بشر محسوب می‌شود. به نظر می‌آید که عفاف، گرایشی درونی است که با فرماندهی عقل، اعضاء و جوارح، انسان را تحت کنترل قرار می‌دهد و او را به خودنگهداری درونی می‌رساند. مصادیق حیا و عفاف نمودار این حالت نفسانی و مراقبه درونی است. این حالت مبتنی بر خدایابی، خداشناسی و درک حضور خداوند می‌باشد و در گذر زمان تغییر می‌کند، لیکن چون برخاسته از فطرت انسانی است،

اصل آن ثابت می‌ماند. از همین رو، مادام که انسان از مسیر فطرت خویش منحرف نشده باشد، بدان ملتزم است. طبیعتاً عفاف از امور باطنی می‌باشد و بر رفتار انسان تأثیر می‌نهد و برخی از این تأثیرها، جنبه فرهنگی و عرفی و برخی نیز جنبه شرعی دارند (ر.ک؛ ماهینی، ۱۳۸۹: ۹۶).

مطابق نگرش قرآنی شناخت منزلت و جایگاه رفیع انسان، او را از آلودگی به پستی‌ها مصونیت می‌بخشد (ر.ک؛ الإسراء/۷۰). التزام به خویشنداری عقیفانه، از یک سو همسران را از ارتکاب اعمال منافی با شئون انسانی بازمی‌دارد و در تحکیم خانواده، نقشی بسزا دارد و از سوی دیگر، بر اشتیاق همسران نسبت به تأمین نیازهای عاطفی خویش در کانون خانواده می‌افزاید. در مقابل، اهتمام نداشتن به موضوع عفاف و انواع بی‌مبالاتی در ارتباط با نامحرمان، به تدریج زمینه گرایش به انحرافات را فراهم می‌آورد.

تعالیم قرآنی در راستای امر به خودآرایی و تبرج نکردن، پرهیز از نگاه هوس‌آلود و اختلاط نکردن با نامحرمان و... مروج رفتار عقیفانه در زمینه پوشش (ر.ک؛ الأحزاب/۵۹)، گفتار (ر.ک؛ البقره/۲۳۴)، نگاه (ر.ک؛ النور/۳۰-۳۱) و راه رفتن (ر.ک؛ القصص/۲۵) می‌باشد. خداوند متعال مؤمنان رستگار و نیکبخت را به وصف عفاف، پاکدامنی و پرهیز از هر گونه آلودگی جنسی می‌ستاید (ر.ک؛ المؤمنون/۱ و ۷-۵). از منظر مفسران، بدین سبب که غریزه جنسی، سرکش‌ترین غریزه انسان است و خویشنداری در برابر آن منوط به تقوا، پرهیزگاری فراوان و ایمان نیرومند می‌باشد، تأکید می‌شود که چنانچه افراد چنین جهت‌گیری‌هایی در مسائل خانوادگی اتخاذ نمایند، تجاوزگر محسوب می‌شوند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۹۷-۱۹۸).

رفتار عقیفانه از جانب همسران، به صورت دوسویه بر حفظ آنان از انواع انحراف‌ها تأثیرگذار است. در نگرش قرآنی، تشبیه همسران به لباس یکدیگر (ر.ک؛ البقره/۱۸۷)، بیانگر نهایت ارتباط مصونیت‌بخش و خویشندارانه آنان می‌باشد.

### ۳- ثمرات خویشنداری

خویشنداری نیرویی کنشگر است که افراد را در برابر عرصه‌های چالش‌برانگیز توانمند می‌سازد و از بروز تحرکات آسیب‌رسان و ایستایی‌های زیان‌آور ممانعت می‌نماید. این سازه فرصت رویارویی صحیح، واقع‌گرایانه و منطقی با فشارهای روانی و تنیدگی‌های خانوادگی را در اختیار انسان قرار می‌دهد. از جمله ثمرات توجه به موضوع خویشنداری به عنوان یک اصل بنیادین در رفتارهای خانوادگی عبارت است از:

#### ۳-۱) تحقق حُسن معاشرت

همسران به موجب پیمان زناشویی، در راستای هدایت خانواده به آرمان آرامش (الرّوم/۲۱)، وظایف و مسئولیت‌هایی دارند. کسب آرامش و همدلی، نوع خاصی از رفتارها را طلب می‌کند که در اصطلاح به آن «حُسن معاشرت» گفته می‌شود. این اصطلاح از آیه **﴿عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾** (النساء/۱۹) اخذ شده است. از نظر حقوق‌دانان، خوشرویی، رفتار مسالمت‌آمیز (ر.ک؛ امامی، ۱۳۷۰، ج ۴: ۱۷۱) و پرهیز از اعمالی که سبب ایجاد نفرت و اندوه فراوان در دیگری است (ر.ک؛ کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۹۵)، از جمله مصادیق حُسن معاشرت به شمار می‌آید. این اصل طرفینی، دلالت بر مجموعه رفتارهایی دارد که نزد خردمندان متدین، پسندیده و رضایت‌بخش است، لذا در هر عصر مطابق عرف آن زمان که با اصول معارف دینی سازگار است، تعیین می‌گردد. ذکر این مصادیق اجمالاً گویای این مطلب است که هر چند عرف و عادات به اقتضای زمان و مکان دامنه مصادیق حسن معاشرت را تعیین می‌نماید، لیکن به یقین چنان‌چه همسران خویشنداری را جایگزین خشونت‌ورزی، بدرفتاری و آزاررسانی نمایند، معاشرت به معروف محقق شده است.

دستور معاشرت به معروف در حقیقت، شالوده بنای عظیم خانواده و فرمانی تحکیم‌بخش در زندگی خانوادگی است (ر.ک؛ بهشتی، ۱۳۷۷: ۱۷۴). خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ﴾**



بِمَعْرُوفٍ وَلَا تَمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَادْكُرُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿البقره/۲۳۱﴾.

این آیه خطاب به مردان تأکید می‌نماید که با ملاحظت، شایستگی و تعامل مسالمت‌آمیز با همسران خود رفتار نمایید و یا حتی در صورت ناسازگاری، با رفتاری معقول و به دور از آزار و انتقام‌جویی از یکدیگر جدا شوید. سپس هشدار می‌دهد که مبدا به قصد ضرر رسانیدن و تعدی به حقوق آنان، ایشان را نگهدارید.

### ۲-۳) تحکیم خانواده

مفهوم خویشنداری در آموزه‌های وحیانی، بستر رفع موانع اصلاحات و عامل تقویت خانواده به شمار می‌آید. تحکیم خانواده زمینه‌ساز رشد و ارتقای مطلوب هر یک از اعضای خانواده است. لذا هر گونه عمل و رفتاری که موجب القای تشویش، نگرانی و نابسامانی در محیط خانواده شود، مذموم است.

آیات قرآنی ضمن اشاره به سرشت مشترک زنان و مردان، بر رسالت مشترک آنان نسبت به التزام به ارزش‌ها و کمالات انسانی تأکید می‌نماید (ر.ک؛ النساء/ ۱ و الحجرات/ ۱۲). همچنین، اصل زوجیت را برای سیطره رحمت و مودت و دستیابی به طمأنینه و آرامش به رسمیت می‌شناسد. بدون تردید تحکیم و ثبات‌یابی این کانون بدون شناخت و درک متقابل بدون خویشنداری، خودمهارگری و رعایت تعادل رفتاری در تمام شرایط محقق نخواهد شد. در این راستا، همراهی مسائل حقوقی خانواده از نگرش قرآنی با موازین اخلاقی همچون خویشنداری، در سوق‌دهی خانواده‌ها به سوی کرامت نفس، کمالات انسانی و موازین اخلاقی بسیار تأثیرگذار می‌باشد.

نگرش واقع‌گرای قرآنی در حوزه قوانین خانواده، مصلحت‌های خانواده را بر مصلحت‌های فردی ترجیح می‌دهد و در کنار ارائه راهکارهای حقوقی، همواره به پشتوانه ضوابط اخلاقی مستند می‌گردد. تأکید بر لزوم خویشنداری به سبب عاقبت‌اندیشی و

توجه به ثبات خانواده از جمله نکاتی است که تحکیم خانواده‌ها را به دنبال خواهد داشت؛ به عنوان مثال، پیرامون شرایط بروز اختلاف می‌فرماید: ﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا: سازش نیکوتر است و جان‌ها آزر را در آستین دارند و اگر نکویی کنید و پرهیزگاری ورزید، بی‌گمان خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است﴾ (النساء/ ۱۲۸). مطابق این آیه، همسران باید از خودنگری و خودمحوری پرهیز نموده، در قالب مدارا، مصالحه و خویش‌تنداری به دوام و پایایی خانواده بیندیشند. از طرف دیگر، در قالب نهی‌های متعددی مردان نیز از بی‌عدالتی و رفتار ناشایست نسبت به همسران بازداشته شده‌اند و می‌فرماید: ﴿وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ: و به آنها زیان نرسانید تا کار را بر آنان تنگ کنید﴾ (الطلاق/ ۶). نکته قابل توجه آنکه حتی در شرایط نشوز زن که نوعی رفتار محلّ دایره و وظایف همسری است، تحکیم خانواده مورد نظر ویژه قرار گرفته است و در قالب ارائه راهکارهای رفتاری با شرایط خاصی و مبتنی بر خویش‌تنداری، بازگشت به تعادل انتظار می‌رود. به سبب آنکه آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء مورد سوء استفاده تنگ‌نظران و مستمسکی برای رواداری بدرفتاری‌ها علیه زنان قرار گرفته، بایسته است به نکاتی در این راستا اشاره شود. در این آیه، اولین انعکاس رفتاری مردان نسبت به نبود انقیاد از وظایف همسری، همدلی، مدارا و رفتاری شایسته و مناسب با روحیات زنانه است. می‌توان اذعان داشت که اتخاذ چنین رویه‌ای در غالب موارد کارآمد می‌باشد. دستور قرآن در موارد دیگر، روش تربیتی «هجر» است. در این روش، مرد اسرار مربوط به زندگی مشترک را به دیگران منتقل نمی‌کند و در فضای خصوصی، بدون جنجال‌آفرینی، رفتاری حاکی از نارضایتی خود نشان می‌دهد. البته این رفتار نوعی خویش‌تنداری با هدف آگاه‌سازی همسر و زمینه‌سازی برای رجوع به تمکین است و اساساً برخاسته از خشونت‌ورزی و کینه‌جویی نمی‌باشد. با توجه به آنکه در متون اسلامی، اصل نفی ضرر و اضرار به رسمیت شناخته شده است و مجازات دیه برای ضربات بدنی دردناک در نظر گرفته شده، راهکار نهایی رفع نشوز همسر، انجام رفتاری با هدف اظهار تنفر از نبود انقیاد همسر، علی‌رغم تمهیدات پیشین است. با توجه به روایات تفسیری ذیل این آیه، چنین

برداشت می‌شود که کتک زدن همسر به هیچ وجه تأیید نشده است و در سیرۀ معصومان<sup>(ع)</sup> نیز شاهی بر صحت آن یافت نمی‌شود (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۹۱). یکی از معاصران در این باره می‌نویسد:

«فرهنگ اسلام بر این است که در قالب وضع قوانین، ایجاد و القای عاطفه در مرد نماید و با توجّه به روحیات عاطفی و احساسات زن و یا حتّی انتظارات روانی او از شیوه‌های رفتاری همسر خویش از سویی و از طرف دیگر، توجّه به مسئولیت مرد در کارگردانی مسائل سخت و خشن زندگی، هم‌آوردی او با حوادث مختلف اجتماعی، توانمندی بیشتر بدنی و نیز حسّ قدرت‌گرایی در او، دائماً مردان را به سوی تعدیل در رفتار و تلطیف در گفتار دعوت می‌نماید. لذا پیشگامان در زندگی و الگوهای راستین دینی همواره در سیرۀ خویش بر این شیوه اهتمام ورزیده‌اند» (میرخانی، ۱۳۷۹: ۲۰۲).

بنابراین، در نگرش قرآنی، با ارائه راهکارهایی با محوریت «خویشنداری»، برای ساماندهی امور خانواده در شرایط پُرتنش و چالش‌برانگیز، به ماندگاری و تحکیم کانون خانواده اندیشیده شده است. لذا آنچه در حال حاضر باید بدان توجّه نمود، این است که با توجّه به اهمیت موضوع خویشنداری در تعاملات میان‌فردی در خانواده و اجتماع، بایسته است راهبردهای مستقیم و غیرمستقیم آموزشی برای پایبندی بدین اخلاق در نظام تربیتی شناسایی گردد.

### نتیجه‌گیری

مجموعه دستاوردهای پژوهشی این نوشتار را می‌توان چنین جمع‌بندی نمود:

خویشنداری که مستلزم مدیریت و مهار احساسات است، در آثار روانشناسان غیرمسلمان در قالب اصطلاحات «خودنظم‌دهی» و «خودمهارگری» مورد توجّه ویژه قرار گرفته است و برقراری ارتباطات بهتر خانوادگی و کنترل خشم به عنوان براینده این سازه برشمرده شده است.

سازوکار خویشنداری طرفینی به مثابه بنیان رفتاری خانواده بدین گونه تبیین شد که پرهیزکاری و پیروی نکردن از هوای نفس و برقراری روابط در کانون خانواده، با هدف جلب رضایت الهی، بهبوددهنده قطعی روابط است؛ زیرا فضایی برای تضييع حقوق باقی نمی‌گذارد و تأثیر مثبتی بر ثبات و رضایتمندی زناشویی دارد. پیروی از تعالیم قرآنی به دلیل برخورداری از بُعد اخروی و تنظیم رغبت‌ها بر اساس ارزش‌ها، نگرش افراد را در رویارویی با عرصه‌های خطیر خانوادگی جهت‌دهی می‌نماید و کاهش تنیدگی و برقراری ارتباط مؤثر با اعضای خانواده را به دنبال خواهد داشت. در نگرش قرآنی، با هدف صیانت از بنیان خانواده، رفتارهای خانوادگی در امور دینی، حقوقی و حریم خصوصی مستند به بنیان خویشنداری می‌باشد. در فرهنگ اخلاق محور قرآنی، تکرار واژگان با مفهوم «خویشنداری» در آیات مرتبط با خانواده، نشانگر اهمیت این مفهوم بنیادین است. توصیه به «تقوا، صبر، عفاف، بخشش»، فرصت رویارویی صحیح، واقع‌گرایانه و منطقی با تنیدگی‌های خانوادگی را فراهم می‌آورد. می‌توان اذعان داشت، چنان‌چه مطابق نگرش قرآنی، «خویشنداری» به عنوان مبنای رفتاری در حوزه خانواده قرار گیرد، حُسن معاشرت و به دنبال آن، تحکیم خانواده محقق خواهد شد.

با توجه به آنچه گذشت، امید است نتایج این پژوهش دست‌اندرکاران امور سلامت خانواده را ترغیب کند تا از مداخله‌های روانشناسی با رویکرد مهارگری فردی برای افزایش سلامت کارکردهای خانواده استفاده نمایند.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

ال کلینکه، کریس. (۱۳۸۳). *مهارت‌های زندگی*. ترجمه شهرام محمدخانی. تهران: نشر اسپند هنر.

ابن عاشور، محمدبن طاهر. (بی‌تا). *التحریر والتنوير*. بیروت: مؤسسه التاریخ.

ابن فارس، احمد. (بی‌تا). *معجم مقاییس اللغة*. بیروت: دارالجليل.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۰ق.). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- امامی، حسن. (۱۳۷۰). **حقوق مدنی**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بر کووتیز، لئونارد. (۱۳۸۷). **روانشناسی اجتماعی**. ترجمه محمدحسین فرجاد و عباس محمدی اصل. ج ۵. تهران: انتشارات اساطیر.
- بهشتی، احمد. (۱۳۷۷). **خانواده در قرآن**. ج ۲. قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- پسندیده، عباس. (۱۳۸۹). **اخلاق پژوهی حدیثی**. ج ۲. تهران: انتشارات سمت.
- تفلیسی، ابوالفضل حیث بن ابراهیمو (۱۳۴۰). **وجوه قرآن**. ترجمه مهدی محقق. تهران: دانشگاه تهران.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). **تفسیر موضوعی قرآن: مراحل اخلاق در قرآن**. تنظیم علی اسلامی. قم: نشر اسراء.
- حسینی همدانی، سید محمد. (۱۴۰۴ق.). **انوار درخشان در تفسیر قرآن**. ج ۸. تهران: کتابفروشی لطفی.
- دامغانی، حسین بن محمد. (۱۳۶۱). **قاموس قرآن در وجوه و لغات مشترک**. به کوشش کریم عزیزی نقش. تهران: بنیاد علوم اسلامی.
- دیماثو، ام‌رابین. (۱۳۷۸). **روانشناسی سلامت**. ترجمه سید مهدی موسوی اصل، محمدرضا سالاری فر و مسعود آذربایجانی. تهران: سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). **مفردات الفاظ القرآن الکریم**. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دار القلم.
- رفیعی هنر، حمید. (۱۳۹۲). «اسلام، اخلاق و خودمهارگری روانشناختی». **فصلنامه تخصصی اخلاق و حیانی**. س ۱. ش ۳. صص ۱۴۱-۱۶۴.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۵). **نهج البلاغه**. ترجمه محمد دشتی. تهران: انتشارات وجدانی.
- صالحی، علی محمد. (۱۳۹۱). **اثر بخشی ذکر خدا بر خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- طالقانی، سید محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۰۸ق.). *مجمع البحرین*. تحقیق السید احمد الحسینی. تهران: مکتبه نشر الثقافة الإسلامیة.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق.). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: مکتب الأعلام الإسلامی.
- قائمی، علی. (۱۳۸۶). *نظام حیات خانواده در اسلام*. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- قرشی، باقرشریف. (۱۹۸۸م.). *نظام الأسرة فی الإسلام*. بیروت: دار الأضواء.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۸). *حقوق مدنی خانواده*. تهران: انتشارات به نشر.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- گلمن، دانیل. (۱۳۸۰). *هوش هیجانی*. ترجمه نسرين پارسا. تهران: رشد.
- ماهینی، انسیه. (۱۳۸۹). «مفهوم شناسی حیا و عفاف». *پژوهشنامه اخلاق*. س ۳. ش ۱۰. صص ۸۷-۱۱۴.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۷۵). «تدبیر منزل در منظر ابن سینا». *فصلنامه فرزانه*. ش ۸. صص ۴۳-۵۴.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). *ده گفتار*. تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *پیام قرآن*. ج ۱. چ ۵. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مهدوی کنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *نقطه های آغاز در اخلاق عملی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- میرخانی، عزت‌السادات. (۱۳۷۹). **رویکردی نوین در روابط خانواده**. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- نراقی، محمدمهدی. (۱۳۸۳). **جامع‌السعادات**. تصحیح و تعلیق سید محمد کلانتر. چ ۳. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- نراقی، ملا مهدی. (۱۳۷۷). **علم اخلاق اسلامی**. ترجمه عزیزالله عطارودی. چ ۴. تهران: نشر حکمت.
- نقیبی، سید ابوالقاسم. (۱۳۸۹). «حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده». **فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)**. س ۱۵. ش ۵۲. صص ۲۸-۵.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود. (۱۳۸۸). «مدل اسلامی مصون‌سازی رفتار جنسی با تأکید بر پیشگیری و درمان انحراف‌ها و مشکلات جنسی». **مطالعات اسلام و روانشناسی**. س ۳. ش ۵. صص ۱۰۷-۱۴۲.
- نوری، نجیب‌الله. (۱۳۸۷). «بررسی پایه‌های روانشناختی نشانگان صبر در قرآن». **فصلنامه روان‌شناسی دین**. س ۱. ش ۴. صص ۱۴۳-۱۶۸.
- Baumeister, R.F., & et al. (2007). "Self-Regulation and Executive Function: The self as Controlling Agent. In A. W. Kruglanski & E.T. Higgins (Eds.). *Social psychology: Handbook of basic principles*". New York: Guilford Press.
- Hofmann, W., Schmeichel, B.J. & Baddeley, A.D. (2012). *Executive functions and self-regulation. Trends in Cognitive Sciences*. Vol. 16 (3). Pp.174-180.
- Kivetz, R., & Yuhang. z. (2006). "Determinants of Justification and self control". *Journal of Experimental Psychology: General*. Vol. 135. Pp. 572-587.
- Macaskill, A. (2005). "Defining forgiveness: Christian clergy and general population perspectives". *Journal of Personality*. Vol. 5. Pp. 1237-1269.
- Vohs, k.D., Baumeister, R.F. (2004). "Understanding Self-Regulation". In R.F. Baumeister & K.D.Vohs (Eds.). *Handbook of Self- Regulation* (Vol.1. Pp.1-9). New York: The Guilford Press.
- Wikstromm, P., & Treiber, K. (2007). "The Role of self controle in crime causation". *European Journal of Criminology*. Vol. 4. Pp. 237-264.